



هوای چشم نیاز مندان را داریم

گفت و گو با عینک فروشی که تصویر برگه نصب شده در مغازاش برای دریافت نکردن وجه بابت عینک از افرادی که بضاعت مالی ندارند، پربازدید شد

هنر
پرونده

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

هر از گاهی تصویری از کارهای نیکوکارانه بعضی هموطنان مان برای اقشار ضعیف جامعه، مورد توجه قرار می گیرد و کاربران شبکه های اجتماعی هم با کامنت هایی همچون «چه خوبه که هوای همدیگر رو داریم»، «آفرین به غیرتش» و... آن ها را تحسین می کنند. صاحب یک عینک فروشی در رشت هم روی یک برگه که داخل مغازه اش روی شیشه نصب کرده، نوشته: «از افرادی که بضاعت مالی ندارند، وجهی از بابت عینک دریافت نمی شود». شماره تلفن این مغازه را پیدا کردیم و با آن تماس گرفتیم اما صاحب اصلی آن در مغازه نبود و چون نمی خواست اسمی از او بپاید، حاضر به گفت و گو هم نشد اما همکاری در این مغازه، نکات جالبی درباره این برگه دارد که در ادامه خواهید خواند.

از ۳ سال پیش این برگه را نصب کرده ایم



«رحیمیان» می گوید: «مالک این مغازه خودم نیستم، من همکارشان هستم. آقای «ایران زاد» که سن شان کمی بالا رفته و این روزها خیلی کمتر به مغازه می آیند، صاحب این مغازه هستند اما همچنان گفته اند که باید این برگه روی شیشه این جا باشد. تقریباً سه سالی می شود که این کار را انجام می دهیم و این برگه را روی شیشه مغازه نصب کردیم».

ما این تصویر را رسانه ای نکردیم اما...

او درباره انتشار تصویر این برگه در شبکه های اجتماعی هم می گوید: «بعد از انتشار تصویر این برگه در شبکه های اجتماعی، بعضی ها گفتند که این برای تبلیغات است اما باور کنید که اصلاً ما این تصویر را رسانه ای نکردیم و نمی دانم کدام یک از مشتری ها، آن عکس را گرفته و منتشر کرده است. بعد از آن به همین دلیل، آقای «ایران زاد» اصلاً راضی نشده که بار رسانه ای در این باره گفت و گو کند تا برداشت اشتباهی درباره نیت اش به وجود نیاید».

تا ماهی ۲۰ عینک به نیازمندان تقدیم می کنیم

او درباره مشتری هایی که با کمک این برگه، صاحب عینک می شوند هم می گوید: «بیشتر مشتری های این چینی، افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد و اشخاصی هستند که دوست یا آشنا معرفی می کنند یا خودمان درباره شان تحقیق می کنیم. تا جایی که برای مان از لحاظ مالی مقدور باشد، انجام وظیفه می کنیم. البته الان ما هم یک مقدار مشکل داریم چون جنس های مان خیلی گران شده و قدرت خریده ها کاهش پیدا کرده است. در ضمن، افرادی را که بهزیستی معرفی می کند، نمره عینک شان معمولاً خیلی بالاست بنابراین شیشه های شان هم گران تر است. قبلاً که قیمت ها کمتر بود، تا ماهی ۱۵ تا ۲۰ عینک هم به نیازمندان تقدیم می کردیم. الان هر عینکی که با نمره بالا بخواهیم به این افراد تقدیم کنیم، بیش از ۱/۵ میلیون تومان است و تا سه میلیون تومان هم برای ما هزینه دارد ولی بیشتر شان یا شیشه را خودشان دارند که به آن ها فرایم می دهیم یا کمکی می کنیم تا به هر شکلی شده، هوای چشم نیازمندان را داشته باشیم. این جمله را بار آقای «ایران زاد» به من گفته که باید هوای چشم نیازمندان را داشته باشیم».

لذت کامل شدن دید نیازمندان تماشایی است

«بعضی افراد قبل از این که به ما مراجعه کنند چون قدرت خرید نداشتند، مدتی را بدون عینک سپری کردند و خیلی اذیت شدند». «رحیمیان» ادامه می دهد: «وقتی عینک را به آن ها می دهیم و روی چشم شان می گذارند، برای چند دقیقه همین جا می نشینند و هر دعایی را که بلدند برای ما و خانواده مان می کنند. این رضایت و خوشحالی از نظر ما، ارزش زیادی دارد و هر ایرانی که از دستش برمی آید، باید برای آسوده خاطر شدن بقیه هموطنان، چنین گام هایی بردارد. لذت کامل شدن دید نیازمندان تماشایی است.»

برای مان سخت است نیازمندی را ناامید کنیم

از او می پرسیم که آقای «ایران زاد» به خاطر شرایط اقتصادی و گرانی ها، تا حالا نگفته که باید این برگه را برداریم که می گوید: «او اصلاً به این چیزها فکر نمی کند و بارها گفته برای کمک به این افراد، تا جایی که امکان دارد کسی را رد نکنیم و برایش خیلی سخت است که نیازمندی، ناامید از این عینک فروشی بیرون برود. حتی گاهی فردی نقدی هم نیاز داشته و او کمک کرده و کمک حال دیگران بوده است. در این ۲۵ سالی که من در کنارش بودم، این طور بوده است. این مغازه ۵۰ سال قدمت دارد و جزو عینک فروشی های قدیم رشت است. آقای «ایران زاد» با این که وضع مالی اش خوب است اما به شدت آدم خاکی است و اصلاً خودش را دست بالا نمی گیرد».

آبارتمان نشینی در عصر ساسانی

سر کی به شهر تاریخی «ایزدخواست» که قلعه خشتی اش اولین بنای طبقاتی در جهان محسوب می شود و یکی از نفوذناپذیرترین قلعه های باستانی است



عکس قلعه، اثر «آنتوان سوروگین» در دوره قاجار

پرونده

آبارتمان ها، نمادی از زندگی مدرن هستند. شهرها از فشار جمعیت رو به فزونی، چاره ای نداشتند جز آن که شکل و شمایل عمودی به خود بگیرند. دانش و ابزار و مصالح پیشرفته هم به کمک مهندسان آمدند تا ساختمان ها با خیال راحت سر به فلک بکشند اما خیلی پیشتر از این ها، زمانی که نه از شهرهای در حال انفجار از جمعیت خبری بود و نه بلندمرتبه سازی به سهولت امروز، در شهر تاریخی «ایزدخواست»، قلعه ای به همین نام ساخته شد که اولین بنای طبقاتی در دنیا به شمار می رود و با اسم های «قلعه سرسنگ» و «قلعه کهنه» هم آن را می شناسیم. قلعه روی یک صخره رسوبی واقع شده که مساحت کم آن، ایده طبقاتی کردن بنا را به فکر سازندگانش انداخته است تا جمعیت بیشتری را در آن جابه دهند اما موضوع تنها این نبوده است. چون در این صورت به راحتی می شد بنا را در محلی با وسعت بیشتر ساخت. ایزدخواست، از سه طرف به پرتگاه منتهی می شود و رویه روی پل ورودی شهر، خندقی حفر شده است تا غارتگران به ساکنان قلعه دسترسی نداشته باشند. به این ترتیب ایزدخواست از نفوذناپذیرترین قلعه های باستانی هم به شمار می رود. در پرونده امروز با این شگفتی معمارانه بیشتر آشنا می شویم.

شگفت انگیز اما گمنام

مروری بر ویژگی های سازهای ایزدخواست که به رغم اهمیت اش از حیث تاریخی و معماری چندان شناخته شده نیست

برای تماشای این قلعه که یادگاری از دوران ساسانیان است، باید راهی استان فارس شوید. در شرق جاده اصفهان به شیراز، در بخش مرکزی شهرستان آباده، به ایزدخواست می رسید؛ شهری کوچک که قلعه بی نظیر گمنامش، زخم دیده از گذر زمان و بیرحمی روزگار اما سر بلند و با اقتدار به شما خوش آمد می گوید.

یک کشتی را تداعی می کند، در زمان گذشته با فراسیدن شب و روشن شدن خانه ها منظره ای بسیار تماشایی را به نمایش می گذاشته است. فضاهای مسقف قلعه در فصل های گرم از داغی هوای کاستند و در فصول سرد و پربارش، باران و برف را از طریق حصار قلعه به بیرون هدایت می کردند. امروز اگر به ایزدخواست سفر کنید، محیط پیرامون قلعه را زمینی خشک و خالی می بینید اما در روزگاران دور، سرتاسر آن مزارع کشاورزی بوده است و ساکنان قلعه از پنجره خانه به مزرعه های شان دید داشته اند. در ورودی قلعه پل متحرکی قرار داشته که هنگام خطر و جنگ، بالا کشیده می شده تا قلعه امن و نفوذناپذیر بماند. بازی روزگار را ببینید؛ ایزدخواستی که هیچ گاه فتح نشد و به دست دشمنان نیفتاد، سال ها بعد محافظت نشده را ه شد تا در معرض نابودی قرار بگیرد به رغم آن که ثبت میراث فرهنگی شده



دژی که هرگز فتح نشد

قلعه ایزدخواست از نظر ظاهری دقیقاً شبیه خانه های ماسوله است؛ سقف هر خانه، کف خانه بالایی است و پشت بام متعلق به ساکنان طبقه پنجم است که واحدی بالای سرشان نیست. خانه ها از چوب و کاهگل ساخته شده اند تا سازه سبک باشد و در ارتفاع حدود ۲۰ متری از سطح زمین به مشکل نخورد. قلعه که از بیرون، نمایی از

ایزدخواست در نگاه دیگران

عکاسان، نقاش ها و سفرنامه نویسان خارجی، ایزدخواست را چطور دیده اند؟

شهر و قلعه ایزدخواست که امروز غبار فراموشی بر چهره اش نشست، روزگاری از شهرت جهانی برخوردار بوده است. عکس ها، نقاشی ها و روایت سیاحان خارجی نشان می دهد که ایزدخواست در دوران رونق اش، قدر دیده است. در ادامه ایزدخواست را از نگاه این افراد می بینیم.

خانه ها رو به فنا می روند

«ارنست هولستر»، عکاس و جهانگرد آلمانی است که در دوران ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمد و در مدت سکونت ۲۰ ساله اش در اصفهان، عکس های مهمی از این شهر و شهرهای اطراف آن ثبت کرد. هولستر در کتاب خود درباره ایزدخواست چنین می نویسد: «این دهکده روی صخره منفردی در یک تنگه یا دره باریک، سر شاهراه اصفهان به شیراز قرار گرفته است. بیشتر خانه ها که روی لبه صخره ساخته شده اند، پنجره، بالکن و مبال دارند. ساختن پنجره در مقایسه با دیگر محل های محصور (خانه و حیاط) پیشرفته تر به شمار می رود. در سال های اخیر به این خانه ها توجه نشده و دارند رو به فنا می روند. نه چندان دور از صخره، کمی بالاتر، روی زمین مسطح دارد ده تازهای می سازند.»



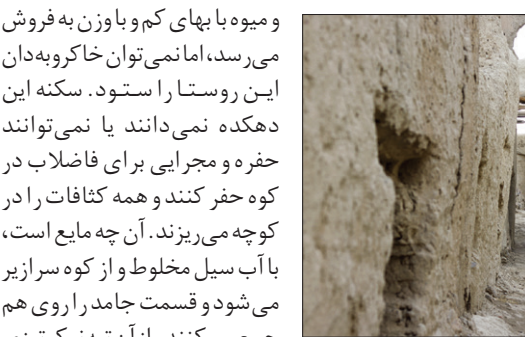
می نویسد: «این قصبه روی صخره عظیمی که تقریباً ۵۰۰ متر طول و ۱۷۰ متر عرض دارد، در میان دشت پر حاصل و باغ های سرسبز سر برآورده است و منظره قشنگ و چشمگیری دارد. دیوارهای خانه ها در سراسری این صخره به طور قائم بالای یکدیگر قرار گرفته اند. این قلعه طبیعی به واسطه یک پل بادشت ارتباط دارد و در طول آن، کوچه های موازی امتداد یافته است. از تمام خانه ها منظره دشت و بیابان دیده می شود. باز شدن درها به سوی دشت، دور بودن از خندق و تهویه این منازل به هم فشرده به کلی بر خلاف اصول معمول کشور ایران است. جمعیت ایزدخواست آن، نسبت به وسعت قصبه زیاد به نظر می آید، از زندگانی متوقعانه ای که شعرای ایران به

تعریف و توصیف آن پرداخته اند، بهره مند هستند. این راحتی از حاصلخیزی زمین و آب های فراوان است که در هنگام بهار از هر طرف این صخره مانند سیل جاری می شود و زراعت حبوبات را سهل می کند. نان ایزدخواست در خوبی شهری پیدا کرده است.



نقاشی قلعه، اثر «چارلز هیث» در سال ۱۸۱۵

به هر حال من در تبریز تعریف نان این قصبه را شنیده بودم. اهالی این دهکده اغلب نانوا یا خمیرگیر هستند و مال التجاره خود را مانند شیرینی های مونتیلمار در معرض فروش قرار می دهند. مسافران از این نان زیادی خردند و به عنوان ارمان با خود می برند یا برای روزهای دیگر آن را ذخیره می کنند. تجارت و کسب در این جا منصفانه است و مسافران را مانند سایر جاها لخت نمی کنند. آذوقه



منابع: jazebeha.com، الی گفت، هم اقلیم blog، rahbal.com، کجارو، روزنامه اصفهان، زبیا



نقاشی قلعه، اثر «اولن فلدن» سال ۱۸۴۰